

کد فارسی‌سازی را به رایگان منتشر خواهیم کرد

گفت‌وگو با حسین ابراهیمی آفریننده سری نرم‌افزارهای پرنیان

حسین ابراهیمی از عجیب‌ترین آدم‌هایی است که می‌توانید سراغ بگیرید؛ گفتگو با او گاهی لذت‌بخش و گاهی سرسام‌آور است! از زمانی که نرم‌افزاری پرنیان را راه‌انداخته و مستقیماً درگیر تمام بخش‌های کار شده، حس می‌کنم که تفاوت‌های چشمگیری در روش‌های کاری خود اعمال کرده‌ام. ابراهیمی با صداقت بخشی از موفقیت در کارش را مربوط به اقبال می‌داند و از رقبایی صحبت می‌کند که کارشان از او بهتر بوده؛ همین به حرف‌هایش جذابیت می‌دهد. هر چه نباشد او می‌تواند مدعی شود که نقش چشمگیری در پدید آوردن آخرین نسل برنامه‌های نشر برای زبان فارسی داشته است.

و عده دادیم که هیچ، چهار برابر محصول ما قابلیت داشت! البته بیشتر روی ویندوز فارسی خود تاکید کرده بودند. همچنین شرکت «نرم‌افزاری سینا» در همان زمان (شاید هم کمی بعد) ویندوز فارسی خود را عرضه کرد. ویندوز سینا درست کار می‌کرد، چون به صورت اصولی روی ویندوز کار کرده بودند. پس از آن هر شرکتی که روی ویندوز کار کرد، کارش متأثر از روش شرکت سینا بود. همچنین از ابتدا برنامه خوبی به نام سایه ارائه کرده بودند. به دلیل تجربه‌ای که شرکت‌های مذکور در این کار داشتند کارشان کم ایراد بود، اما کار من اشکالاتی داشت که به مرور زمان رفع شد.

به این نتیجه رسیدیم که قابلیت حروفچینی را بر جسته کنیم، و نام برنامه را گذاشتیم «پرنیان برای ویندوز» (Parnian for Windows). کسانی به ما مراجعه می‌کردند و می‌گفتند که می‌خواهیم در کورل و فتوشاپ فارسی حروفچینی کنیم. پس برای برنامه پنجاه قلم فارسی ساختیم و دوباره آگهی دادیم. جالب بود که قابلیت‌های گوناگون محصول را در سه طبقه منظم کردیم و سه نوع آگهی برای سه محصول به سه نام دادیم و منتظر ماندیم که ببینیم کدام یک از آن‌ها با استقبال بیشتری رو به رو می‌شود، تا روی آن تمرکز کنیم. این برنامه‌ها هم‌زمان با ورود ویندوز ۹۵ به ایران عرضه شد، سالش را دقیق به خاطر ندارم. برای ویندوز ۹۵ هیچ نرم‌افزار فارسی‌سازی وجود نداشت. به زودی نسخه‌های نرم‌افزارهای گرافیکی سازگار با ویندوز ۹۵ به بازار سرازیر شد که برنامه ما در آن کار می‌کرد. باید اعتراف کنم که تا مدت‌ها کار من این شده بود که قابلیت‌های اولیه برنامه را گام به گام در آگهی‌ها اعلام کنم و بر آن نام ویرایش جدید بگذارم، اما در واقع چیزهای جدیدی نبودند، همان‌هایی بودند که روی نسخه اولیه پرنیان وجود داشتند.

من واژه پرنیان را دوست دارم، این نام یک قطعه موسیقی از استاد فرامرز پایور است، این قطعه را خیلی دوست داشتم، علت علاقه‌ام هم این بود که می‌توانستم این قطعه را با سنتور بنوازم. برای همین همیشه در نام‌گذاری‌هایم به آن نظر داشته‌ام.

حول و حوش سال ۱۳۷۱، که در صدا و سیما مشغول کار بودم، برنامه «پرنیان برای داس» را بعد از دو سال تمام کرده بودم. ابتدا قصد داشتم فارسی‌سازی ساز تحت داس بنویسم. بدون این که فکر اقتصادی خاصی داشته باشم، کار صرفاً تفریحی بود. به این ترتیب یک برنامه مستقر در حافظه نوشته بودم که محیط حروفچینی و مُبدل‌های مختلف داشت، تنظیم‌های مفصلی هم برایش تدارک دیده بودم که ناگهان ویندوز ۳ آمد و من ماندم و یک کار انجام شده. آن زمان همکاری داشتم که دفتری داشت و می‌خواست کار سخت‌افزاری کند. به من پیشنهاد داد که بعد از ظهرها در آن دفتر مشغول به کار شویم. با شروع کار در این دفتر برنامه‌ام را برای ویندوز ۳.۱ بازنویسی کردم که کار زیاد سختی نبود. اولین آگهی را هم در مجله رایانه دادیم؛ یک آگهی سیاه و سفید نیم صفحه‌ای. یک کلمه «پرنیان» نوشتیم و زیر آن یک خروار توضیح از قابلیت‌های برنامه. یک یا دو نفر تماس گرفتند و این برنامه را خریدند، ماه اول صد هزار تومان کار کردیم. فهمیدم که این مشتری‌ها از نهادهای دولتی بوده‌اند و در واقع می‌خواستند در ویندوز آن‌تی کارهای فارسی بکنند. از طرفی برنامه من اصلاً برای ویندوز آن‌تی ساخته نشده بود و در آن بسیار بد کار می‌کرد، در واقع برنامه به درد آن‌ها نخورد.

زمانی که آگهی دادیم فکر نمی‌کردم کسی پیش از ما این کار را کرده باشد. بعد که دقت کردم، دیدم کنار آگهی ما آگهی دیگری از شرکت «شبکه‌های هوشمند» چاپ شده بود، هر کاری که ما

مدت‌ها کار من این شده بود که قابلیت‌های اولیه برنامه را گام به گام در آگهی‌ها اعلام کنم و بر آن نام ویرایش جدید بگذارم.



متولد ۱۳۴۹ در تهران.
 پس از گرفتن دیپلم
 ریاضی از دبیرستان
 هدف در سال ۱۳۶۹ در
 رشته ریاضی کاربردی
 دانشگاه آزاد اسلامی
 مشغول تحصیل شد و
 در ۱۳۷۵ در این رشته
 لیسانس گرفت. عمده
 فعالیت وی در سال‌های
 اخیر بر برنامه‌نویسی
 متمرکز بوده و بیشتر
 در حوزه فارسی‌سازی
 برنامه‌های
 نشر رومیزی کار کرده
 است. در حال حاضر
 مدیریت شرکت
 نرم‌افزاری پرنیان را
 برعهده دارد.

می‌کند. پس از این حرکت روزنامه مذکور، تمام روزنامه‌ها شروع کردند به خرید از ما. بعد نسخه ۵ را عرضه کردیم که تفاوتش در تفکیک قسمت‌های برنامه از هم بود. تا نسخه ۴ برنامه خیلی بسته بود، اما در نسخه ۵ بخش مبدل را جدا کردیم و ساختار Plug-in به آن بخشیدیم که آسان‌تر بشود قابلیت‌هایی به آن اضافه یا کم کرد. همچنین در این زمان توانستیم که برای گسترش برنامه نیرو جذب کنیم، قبل از آن هیچ نیروی دیگری در برنامه نویسی دخالت نداشت. البته جذب نیرو هم فراز و نشیب زیاد داشت، گاهی از پس کار بر نمی‌آمدند، و گاه اوضاع مالی برایشان مساعد نبود.

در آن دوره حقیقتاً آدم‌های زیادی این کار را کردند (فارسی‌سازی برنامه‌های گرافیکی)، اما اشتباهی را مرتکب شدند که از من هم سرزده بود: یک عالمه قابلیت برای کارشان نام می‌بردند و کاربر از درک نرم‌افزار عاجز می‌شد. اعتراف می‌کنم در آن زمان بعضی‌هایشان از من جلوتر بودند. من دوبار این اشتباه را کردم، بار اول همان زمان و بار دوم سر نسل جدید پرنیان، کاربر را با اطلاعات اضافی سرگردان می‌کردم. وقتی گنده‌گویی می‌کنی مخاطبان منظورت را نمی‌فهمند. یک ضعف دیگر رقبای ما این بود که زود مایوس شدند، اما من سال‌ها پای این کار نشستم و ناامید نشدم.

به نظر من فروش ما علل مختلفی داشت: در سال‌های ۷۶ تا ۷۸ روزنامه‌ها و نشریات جدیدی ظاهر شدند که همه می‌خواستند با هزینه اندک، واحد فنی راه‌اندازی کنند. از طرف دیگر شرکت‌هایی که اپل کار بودند، و معمولاً تشکیلات حرفه‌ای نشر را راه‌اندازی می‌کردند، پشت سر هم در حال تعطیلی بودند. مردم کشور ما هم هنگامی که به یک چیز عادت کردند به سختی از راهشان بر می‌گردند، مثالش هم این‌که هنوز اکثراً به دستمال کاغذی می‌گوییم کلینکس! اگر همکاران ما در همان زمان کارهایی انجام دادند، عدم موفقیت‌شان به علت

کم کارمان گرفت، تا حدی که می‌توانستیم هر ماه برای آن آگهی بزنیم، اما روند تولید هنوز با دردسر همراه بود. مثلاً یکی از آشنایانمان از انگلیس برایمان قفل می‌فرستاد، بعد این روش آن قدر دشوار شد که از خیرش گذشتیم، و مدتی از قفل‌های ایرانی استفاده کردیم، اما اوضاع بدتر شد چون قفل‌های ایرانی اشکالات زیادی داشتند. پس دوباره برگشتیم سر استفاده از قفل‌های خارجی.

رفته رفته دریافتیم که باید قابلیت حروفچینی فارسی در Freehand را هم اضافه کنیم، و این باعث شد که برنامه کامل‌تر شود. قلم‌های ما در فری‌هند کار نمی‌کرد، پس مجبور شدیم قلم‌ها را دستکاری کنیم. اصل کارمان سست بود برای همین قلم‌ها را دستکاری می‌کردیم، به جای این‌که یک بنیان درست و حسابی برای آن بگذاریم. این شد نسخه ۳. از نسخه ۳ به بعد فهمیدیم که نرم‌افزار فروختن الزاماتی دارد، جعبه می‌خواهد، کتاب می‌خواهد، راهنما می‌خواهد. پس شروع کردیم به راهنما نوشتن و تکثیر کردن آن و این قبیل کارها.

فروش ما معمولاً به این صورت بود که مشتریان تماس تلفنی می‌گرفتند و ما نرم‌افزار را می‌بردیم و تحویل می‌دادیم. در همان اثنا یکی از زیباترین اتفاقاتی که ممکن است برای یک برنامه‌نویس بیفتد، در یک نمایشگاه برای من اتفاق افتاد. یکی از دست‌اندرکاران روزنامه اطلاعات از من پرسید که برنامه شما می‌تواند پاراگراف را هم تنظیم و حروفچینی کند؟ گفتم نه، فقط به صورت تک خط حروفچینی می‌کند. تلفن محل کارمان برگردان شده بود روی تلفن نمایشگاه، آقای زنگ زد و ما از نمایشگاه پاسخ دادیم، او هم از قابلیت حروفچینی پاراگراف پرسید و من دوباره جواب منفی دادم. در این جا بود که جرقه اولیه زده شد: گفت: «چرا مثل برنامه نگاره در مکینتاش کادر را آینه‌وار معکوس نمی‌کنید که بتوانید داخلش فارسی حروفچینی کنید؟» شب آدم منزل و شروع کردم به سروکله زدن با Freehand. دیدم که ایشان درست گفته. فوراً همان شب یک قلم ساختم و فردا بردم نمایشگاه که نمایش بدهیم. به مراجعه کنندگان هم اعلام کردیم که به زودی امکان صفحه‌آرایی در Freehand به کار اضافه خواهد شد.

نسخه ۴ با قابلیت صفحه‌آرایی آماده شده بود که آقای به ما مراجعه کرد و گفت برای صفحه‌آرایی روزنامه‌ای قریب به انتشار، دنبال برنامه مناسبی می‌گردد. ظاهراً دلیل کارشان صرفه‌جویی اقتصادی بود، اما باید اعتراف کنم که ایشان با این کار باعث شد نرم‌افزار ما اعتباری پیدا کند و در روزنامه‌ها به کار گرفته شود. تا قبل از آن فروش خیلی محدود بود. روزنامه مذکور با برنامه پیچ‌میکر کار می‌کرد، انصافاً خیلی با برنامه ما سر و کله زدند و سختی کشیدند. چون برنامه آن‌طور که باید کار نمی‌کرد و فقط قیمتش مقرون به صرفه بود. اگر الان هم به من بگویند که برنامه‌های تو بهتر است یا پیچ‌میکر ۶.۵ مکینتاش، بلافاصله پاسخ می‌دهم: پیچ‌میکر فارسی. چون عالی کار

مدتی است که در حال تحقیق روی مجوزهای منبع باز هستیم تا کد اصلی فن فارسی نویسی در برنامه‌های نشر را جز نرم افزارهای منبع باز کنیم، انشالله این اتفاق تا پایان سال جاری خواهد افتاد.

ضعف کارشان نبود، بلکه مردم به نام محصول ما عادت کرده بودند. البته به روزرسانی مرتب هم بی تاثیر نبود. نسخه ۵ یک بسته نرم افزاری کامل بود، با کتاب و کارت گارانتی و پایگاه وب... ممکن بود نرم افزار چندان امکانات خوبی نداشته باشد اما همگی پشت کار را گرفته بودیم، کار مردم را هر زمان که گیر می کردند راه می انداختیم، همیاری می کردیم، صفحه می بستیم. در نسخه ۵.۵ کار خوب دیگری هم انجام دادیم، با یکی دو نفر صحبت کردیم تا نرم افزارشان را روی کارمان بگذاریم، این کار به آن‌ها سود مالی می رساند و به ما سود معنوی.

بگذار جریان کوارک را هم تعریف کنم. در یادگان یک مجموعه نرم افزار به نام «مجیک پک» داشتیم، من همه نرم افزارهای این مجموعه را می ریختم و بررسی می کردم. نوبت به نسخه ۳.۳ کوارک که رسید مکث کردم، زیرا سر درنیاردم که این برنامه چیست، با بررسی آن حدس زدم که این برنامه باید به کار چاپ و نشر مربوط باشد. موقتا آن را کنار گذاشتم، این بر می گردد به قبل از حروفچینی پشت و رو. در همین احوال برنامه‌ای به نام آتلیه را دیدم که تحت مک کار می کرد، و مو به مو شبیه کوارک بود. این برنامه برای کشورهای عربی تهیه شده بود و فکر می کنم نسبتی با برنامه «نشر و صحافی» داشت، و نشر و صحافی به نظر من هنوز بهترین نرم افزار در زمینه کشیدگی دادن به خط فارسی-عربی است.

به هر حال بعد از این اتفاق‌ها فهمیدم که کوارک Plug-in (برنامه‌های الحاقی) می پذیرد، بیشتر که تحقیق کردم دیدم محیط توسعه کوارک را باید خرید. افتادم دنبال این که کدام برنامه‌ها چنین ویژگی‌ای دارند؟ این اتفاق‌ها مربوط به سال ۱۳۷۸ است. اول چون ویندوز ان‌تی دستم را بسته بود سراغ Plug-in رفتم، منطق ان‌تی با ویندوزهای پیش از آن فرق داشت. چون کارم را بدون راهنما شروع کرده بودم، حدود یک سال با برنامه سر و کله زدم. به همه برنامه‌های معروف نشر سر کشیدم، فری‌هند، فوتوشاپ، و عاقبت سفارش Developer kit کوارک را هم دادیم. بررسی برنامه‌های مختلف به این دلیل نبود که کار ما روی برنامه‌های قبل تمام شده بود، بلکه هر جا گیر می افتادیم، فکر می کردیم که شاید در برنامه دیگر این طور نباشد.

در همان زمان یک برنامه کوچک پُراشکال هم نوشتم که پس از پایان کار صفحه‌آرایی، فواصل میان کلمات را به کشیدگی تبدیل می کرد. این برنامه قرار بود رایگان باشد، حتی نیازی به ارتقاء قفل هم نبود. جالب این بود که برنامه به طور اخص حتی به قفل ما هم نیاز نداشت.

کم کم نظرم نسبت به کار متحول شد، با خود فکر کردم که چرا فقط به فارسی نوشتن فکر کنیم. قابلیت‌های دیگری هم می توان در آن گنجاند، مانند جستجو، غلط‌گیر، فرم‌بندی، مبدل‌های گوناگون و مانند این‌ها. اما یک نکته دیگر این بود که اگر این‌ها را به برنامه اضافه می کردیم حاصل کار چندان ارتباطی

به نسخه‌های پیش نداشت، چون کاربران آن نسخه‌ها انتظارات مشخصی از کم و کیف آن داشتند. بنابراین تصمیم گرفتیم نام‌ها را عوض کنیم و با اقتباس از نام انگلیسی نام‌هایی ساختم: Parpage, ParXT, ParXtra و الی آخر.

دفتر تازه‌ای راه انداختم. اول کار بسیار سخت بود چون من دست تنها بودم. اول نسخه ۶ را هم در کنار هر نرم افزاری که می فروختم به رایگان می دادم. بعد فهمیدم این کار بسیار اشتباهی است، چون کسانی برای خرید سراغ من می آمدند که به دلیلی با نسل قبلی برنامه به نوعی مشکل داشتند. از سوی دیگر من تجربه کار با فروشندگان را نداشتم، آن‌ها هم توقعات خاصی داشتند، ضمن این که پرنیان برایشان شناخته شده نبود. من هم نمی توانستم بروم به همه توضیح بدهم که «بابا من در این کار سابقه دارم!». شروع کردم به فروش مستقیم از طریق آگهی مجله‌ای و بروشورهای رایگانی که به این طرف و آن طرف ارسال می فرستادم. و خوب، کم کم کار راه افتاد.

در دفتر جدید روی علاقم بیشتر متمرکز شدم، یکی از آن‌ها برنامه نویسی برای مک بود. من قبلا نظرم به رایانه اپل جلب شده بود و دوست داشتم یکی از برنامه‌هایم را روی مک هم پیاده‌سازی کنم. زمانی که شروع به این کار کردم، چشمم به دنیای مک روشن شد. الان هر برنامه‌ای که می نویسم، نسخه مک آن را هم ارائه می کنم، حتی اگر اصلا مشتری نداشته باشد. بهترین برنامه‌ای که تاکنون نوشته‌ام فارسی نویسی Freehand در محیط اواس تن بوده. سوتفاهم‌های زیادی در مورد رایانه‌های مک وجود دارد، این سوتفاهم‌ها ریشه‌های مختلفی دارد؛ به نظر من مک نه گران است نه ناسازگار. معمولا مک هیچ کاربری را در میانه راه تنها نمی گذارد، بارها شده که دست اندرکاران نشر را تشویق به خریدن مک کرده‌ام و آن‌ها معمولا زمانی که واقعیات را می بینند در پی تهیه مک می روند.

فارسی سازی برنامه‌های گرافیکی فناوری عجیب و غریبی ندارد. در واقع مدتی است که در حال تحقیق روی مجوزهای منبع باز هستیم تا کد اصلی فن فارسی نویسی در برنامه‌های نشر را جز نرم افزارهای منبع باز کنیم، انشالله این اتفاق تا پایان سال جاری خواهد افتاد. این گونه همه می توانند به رایگان امکانات ابتدایی حروفچینی فارسی در برنامه‌های نشر را در اختیار داشته باشند، ضمن این که در این حالت توسعه و بهینه‌سازی کد هم سریع تر صورت می پذیرد.

برای من این مهم است که نیازهای اصلی نشررومیزی فارسی برطرف شود، و برای همین در سطوح مختلفی برنامه می سازم. این اواخر برنامه‌ای برای تنظیم نقشه‌های چند صفحه‌ای و بزرگ ساختم که کار چند ماهه را چند روزه انجام می دهد؛ نقشه‌های کتاب اول با آن تنظیم شد. به نظر من این‌ها کارهایی است که می ماند، حتی اگر سود مالی چندانی نداشته باشد.